

## سخنی در باره معجزه

- \* چرا بعضی از شنیدن لفظ معجزه وحشت میکنند ؟
- \* اینگونه افکار انحرافی از کجا مایه میگردد ؟
- \* تصویر روشنی از حقیقت اعجاز

بعضی هستند از لفظ « معجزه » وحشت دارند ، و شاید معجزات پیامبران را در ردیف اساطیر و افسانه‌های کهن میدانند و نوعی از خرافات می پندارند .

معجزه را مخالف « علم » و علم را مخالف « معجزه » تصور میکنند و میل دارند این موضوع را بکلی از منطقه بحثهای علمی خارج کنند .

این دسته عموماً کسانی هستند که مطالعاتشان درباره مسائل مذهبی محدود است با آنچه از پدر و مادر شنیده‌اند یا در افواه عامه مشهور است .

آنها از حقیقت « اعجاز » جز پاره‌ای از شایعات و توضیحات ناقصی که در میان مردم وجود دارد ، دریافته‌اند ؛ و تصویر غلطی از معنی معجزه در مغز خود ترسیم کرده ، و از آن وحشت میکنند و با آن می‌جنگند .

دسته دیگری نیز در برابر معجزات قیافه انکار آمیز بخود میگیرند ، نه از این جهت که تجزیه و تحلیل و بررسی روی این مسأله کرده‌اند ، بلکه خیال میکنند انکار امور خارق عادت و معجزات نشانه روشنفکری است و چون خیلی میل دارند مردم آنها را « روشنفکر » بدانند ، ندانسته و نسجیده يك قلم سرخ روی تمام معجزات میکشند !

\* \* \*

## اینگونه افکار از کجا مایه میگيرند ؟

چیزی که باین طرز تفکر مایه و آب و رنگی میدهد و آنرا در نظر بعضی موجه میسازد اقراطی است که عده‌ای از افراد نادان و کم اطلاع در موضوع معجزه بخرج میدهند و هر روایت ضعیف و بی مأخذ و هر تاریخ غیر معتبری را دستاویز خود ساخته. بعنوان اینکه باب فضائل وسیع

است و نقل معجزه عیب نیست - يك سلسله معجزات ساختگی نامعقول به پیامبران خدا نسبت داده و قیافه علمی «معجزات واقعی» آنها را با این اوهام میپوشانند .

اینها بگمان خود با نقل اینگونه معجزات دروغی خدمت مقدسی بآئین پیامبران میکنند و مقام آنها را در اجتماع انسانی بالامیرند ، و ایمان مردم را نسبت بآنها راسختر میسازند ، در حالی که در واقع و در نظر هوشمندان بزرگترین لطمه بحیثیت و شخصیت پیامبران میزنند و مردم کم اطلاع را نسبت بمعجزات واقعی پیامبران بدبین و مردود میسازند .

فراموش نمیکند در نجف اشرف در میان عده ای از «عوام مردم» مشهور بود پرندگان روی گنبد حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام نمی نشینند و احترام میگذارند ، در صورتیکه با چشم خود مان میدیدیم این مطلب دروغ و پرندگان بر آن مکان مقدس می نشینند ، فکر کنید همین يك مطلب دروغی کافی است که افراد ساده لوح را نسبت بمعجزات واقعی امیر مؤمنان (ع) بدبین کند و پس از اینکه با چشم خود می بینند این موضوع دروغ از آب درآمده میگویند : نکند بقیه هم همینطور باشد . فکر کنید این سخن چقدر مقام شامخ امیر مؤمنان را با آن معجزات و خارق عادات حیرت انگیزی که فکر بشر در آن حیران میماند ، پائین میآورد ، آیا يك چنین موضوع مبتذل و پیش پا افتاده ای شخصیتی برای پیشوای بزرگ اسلام محسوب میشود ؟ این يك نمونه ساده است .

اینگونه اشخاص که دست بنقل و جعل چنین خارق عاداتی میزنند در دست متوجه زیان و لطمه ای که از این راه بعقائد صحیح مردم وارد میشود نیستند و نمیدانند اینگونه داستانهای ساختگی قیافه روشن و جذاب مذهب را چه اندازه بد نما میکند؟ .

اگر می بینیم بزرگان علماء و دانشمندان مادر تهذیب کتابهای تاریخ و حدیث آن اندازه زحمت کشیده و **علم رجال** را برای تشخیص احادیث ضعیف از غیر ضعیف - با آن همه وسعت - بوجود آورده اند ، و اصرار دارند مطالب موهوم و بی اساس را از حقایق مسلم دینی جدا کنند ، بعلت درك اهمیت این خطر است .

اگر دانشمندان علم عقائد میگویند باید اعتقادات مذهبی بر اساس «مدارك قطعی و غیر قابل انکار» باشد ، حتی تواریخ و روایات ظنی را در مسائل مربوط بعقائد ( اصول دین ) کافی نمیدانند همه برای اینست که عقائد مذهبی که پایه های اصلی مذهب محسوب میشود باید روی يك اساس محکم و استوار و خلل ناپذیر باشد .

اگر معجزات واقعی پیامبران و پیشوایان بزرگ دین با مطالب مجهول و خرافی و غیر معقول آمیخته شد ، بها نه خوبی بدست افراد مغرض و بها نه جو میآفتد که بارائه چند نمونه از مطالب

غیر معقول ساختگی قلم سرخ روی همه معجزات بکشند و آنهارا جزء افسانه‌های کهن قلمداد کنند ،  
و مسلماً این تبلیغ مسموم در افرادی که قدرت تجزیه قسمتهای صحیح از نادرست ندارند بی اثر  
نخواهد بود لا اقل سوء ظنی نسبت بتمام معجزات در آن‌ها ایجاد میکند .

از طرفی طبق قانون «عمل و عکس العمل» که نه تنها در «فیزیک» صادق است بلکه در  
اجتماع و تمام مسائل مربوط با اجتماع نیز جاری است ، این دسته «افراطی» يك دسته «تفریطی»  
در مقابل خود میسازند ، یعنی هم خودشان گمراه میشوند و هم دیگران را بگمراهی میکشاند .  
از همه بدتر اینکه این وضع مشکل بزرگی برای دانشمندان و رهبران فکری ایجاد میکند  
گاهی چنان میشود که سخنان عمیق و منطقی آنها را دسته افراطی حمل بر ضعف ایمان ! و دسته  
تفریطی حمل بر جهل و بی اطلاعی از علوم میکنند !

این يك بحث دامنه دار ، يك درد بزرگ اجتماعی است که باید بموقع خود بیش از این  
روی آن گفتگو کنیم .

بهر حال ، منظور اینست بحث ما از اعجاز و تشریح حقیقت معجزه دلیل بر این نیست که  
هر تاریخ ساختگی و حدیث مجعولی را درباره معجزات انبیاء بپذیریم .



### تصویر روشنی از حقیقت اعجاز

تصور میکنیم بهترین راه برای پاسخ بتمام ایراداتی که در بحث معجزات میشود اینست  
که حقیقت اعجاز و روح معجزه را که ما بآن ایمان داریم و از آن دفاع میکنیم تشریح نمائیم  
تا خود بخود پاسخ ایرادات مخالفان داده شود .

بطور اجمال : معجزه يك عمل «غیر معقول» و «نشانی» و «غیر علمی» و «معلول بدون علت»  
نیست ، بلکه معجزه عبارت از عمل خارق العاده ایست که انجام آن از قدرت افراد انسان بیرون  
باشد و جز با تکای يك نیروی مافوق انسانی و مافوق طبیعی امکان پذیر نباشد .

مثلاً سخن گفتن يك طفل نوزاد چند روزه موضوع مجال و غیر معقولی نیست ، ولی مسلماً از  
قدرت افراد انسان بیرون است ، اما با تکای يك قدرتی ماوراء طبیعی که زبان و اعصاب و مغز نوزاد  
را آن چنان نیرو بخشد که قدرت بر ادای کلمات و حروف و جمله بندی داشته باشد کاملاً ممکن است .  
همچنین قیام فردی درس نخواهنده از يك محیط عقب افتاده نیمه وحشی و آوردن يك آئین نورانی  
با يك سلسله احکام و قوانین فوق العاده بلند و عمیق و بوجود آوردن يك تمدن درخشان و خیره کننده  
ریشه دار ، از حدود قدرت انسان بیرون است اما با تکای يك قدرت مافوق طبیعی کاملاً ممکن میباشد  
رو بهمرفته هر معجزه ای دارای شرائط و امتیازات زیر است :

- ۱ - معجزه باید از نظر عقل و علم امر معقول و ممکن باشد .
- ۲ - باید يك عمل خارق العاده باشد که هیچ فرد انسانی حتی نوابغ بزرگ جهان ، و همچنین مرتاضان از انجام آن با تکیاء نیروی بشری ، قادر نباشند .
- ۳ - آورنده معجزه باید با کمال اطمینان خاطر از تمام انسان ها و متفکران و نوابغ جهان دعوت برای معامله بمثل کند و همه را از انجام آن عاجز بداند زیرا امیداندا انجام چنان کاری با نیروی انسانی ممکن نیست .
- ۴ - معجزه از نظر زمان ، مکان ، کیفیت ، نوع و سایر شرائط محدود به هیچ حدی نیست ، یعنی در هر گونه شرائط و وضع و کیفیت و نوعی امکان پذیر است ، زیرا از نیروی لایزال و نامحدود خداوند سرچشمه میگیرد ، و از همینجا يك فرق میان معجزه و سایر خارق عاداتی که از مرتاضان سر میزند روشن میشود زیرا هر مرتاضی عمل خارق عادت خود را در شرائط خاص و به کیفیت معینی انجام میدهد ، چون از نیروی محدود بشری سرچشمه میگیرد ، و چنان نیست که او قادر بانجام هر خارق عادتی در هر نوع شرائطی باشد ( دقت کنید ) .
- ۵ - آورنده معجزه هرگز در برابر رقیب خود شکست نمیخورد و اگر شکست خورد معجزه نبوده است ، زیرا نیروی لایزال و نامحدود الهی غیر قابل شکست است ، از اینجافرق دیگری میان خارق عادات بشری و معجزات پیامبران بدست میآید .
- ۶ - معجزه يك معلول بدون علت نیست ، زیرا معلول بدون علت محال است ، بلکه معجزه بنوبه خود معلول علتی است ، منتها يك علت غیر عادی و غیر معمولی که تسلط بر آن از قدرت انسان عادی بیرون است .
- ۷ - معجزه حتماً دارای هدف خاص تربیتی است و بعنوان سند زنده ای برای اثبات ارتباط آورنده آن بجهان ما و اراء طبیعت و مبدء جهان هستی میباشد ، چنان نیست که یک نفر بنشیند و بهوس خود یا مردم هوسبازی که دور او جمع شده اند کلافه علل و معلول جهان طبیعت را بهم بریزد و باز بچه خود سازد . \* \* \*
- این يك معرفی اجمالی از معنی «معجزه» بعنوان مقدمه ای برای بحثهای آینده است ، زیرا بحث آینده ماحضات مختلف اعجاز قرآن و بررسی جنبه های گوناگونی است که باصراحت تمام گواهی میدهد این کتاب بزرگ يك کتاب آسمانی است و ساخته مغز بشر نیست !
- ما شمارا بخواندن این سلسله مقالات که باسبک تازه ای جهات اعجاز قرآن را مورد بررسی قرار میدهد دعوت میکنیم .
- و اگر توضیحات بیشتری درباره حقیقت معجزه و پاسخ ایراداتی که بآن شده میخواهید بکتاب رهبران بزرگ مراجعه فرمائید .